

گزارشی از برگزاری دوازدهمین کنفرانس بین المللی بنیاد پژوهش های زنان ایران

هشت مارس

دوازدهمین کنفرانس بین المللی بنیاد پژوهش های زنان ایران در تاریخ ۱۵ تا ۱۷ ژوئن ۲۰۰۱ در شهر استکهلم سوئد برگزار شد. موضوع این کنفرانس «چه باید کرد» بود.

جمعه ۱۵ ژوئن - اولین روز کنفرانس

کنفرانس با خوشامدگویی کمیته هماهنگ کننده محلی کار خود را آغاز کرد.

سپس کنفرانس با سخنرانی ماریا پیابوتیوس به زبان سوئدی ادامه یافت.

ماریا نظام پدرسالاری را به هرمی تشبیه نمود که در نوک آن مردان ثروتمند و پرقدرت را تصویر کرد که بقیه مردان در رده های پائین تر آن هرم قرار گرفته و زنها هم در خارج از هرم قرار گرفته اند. او گفت من همیشه از خودم پرسیدم که چرا طی هزار ها سال مردان زیر دست بالاخص زیردست ترین مردان، آنها که در قاعده هرم قرار دارند حکومت این قدرتمندان را تحمل میکنند. به نظر ماریا علت موفقیت قدرت مردان در این بوده که آنها به زیر دستان خودشان گفته اند مهم نیست که شما در کجای این هرم قرار دارید زیرا که ما همیشه زنی زیر دست شما قرار می دهیم.

پس از اجرای برنامه هنری مکرمه قنبری دری کننده بعنوان زن برگزیده امسال انتخاب شد. او زن روستائی است که در سن ۶۴ سالگی شروع به نقاشی کرده است. (متن مصاحبه با وی در همین شماره درج شده است.)

میز گرد نسل دوم زنان ایرانی

در این میز گرد سپیده زرین پناه، آتنا نیکخواه و شادی صدر از ایران، راشین فروتن فرد از سوئد و پریسا تقی زاده انگلیس شرکت داشتند.

موضوع اصلی بحث شادی صدر اشتغال زنان بود. او معتقد بود که اصل ریاست مرد بعنوان شوهر و پدر سنگ بنا و زیر بنای تمام مسائل حقوقی مربوط به زنان است. وی گفت گرچه در چند سال اخیر اصلاحات بسیاری در زمینه قوانین مربوط به زنان داشتیم اما هنوز این قوانین نتوانستند به پای پیشرفت زنان برسند. او معتقد بود که اصلاح ساختار حقوقی زنان قبل از اینکه یک مسئله حقوقی و قانونی باشد یک مسئله فرهنگی است. طی سالهای اخیر نظریاتی مطرح شده مبنی بر اینکه اصلاحاتی را باید با حفظ اصل شریعت انجام داد. زنان ایرانی برای اینکه حقوق بیشتری بدست آورند باید در خارج و داخل تلاش کنند این نظریه تقویت شود.

سپیده زرین پناه نیز تمرکز بحث خود را در مورد اشتغال زنان گذاشت. و معتقد بود که در دهه سوم انقلاب این امر پدیده نوئی نیست. وی گفت رشد یا فعالیتهای زنان در عرصه های اجتماعی یک اتفاق آگاهانه نبوده است بعلمت اینکه تفکر سنتی که مرد را کماکان نان آور خانه می داند مطرح است. مسئله اصلی امروز این است که چگونه شکاف بین تفکر سنتی و واقعیات موجود را از بین برد.

آتنا نیکخواه گفت فعالیت اجتماعی زنان نسبت به گذشته بسیار بیشتر شده است و حضور خودش در کنفرانس را نشانه ای از این پیشرفت می دانست او گفت دختران ایرانی اصلا محدود نیستند و خود وی بعنوان یک دختر مجرد بدون اجازه پدر توانسته پاسپورت گرفته و از کشور خارج شود. او گفت در ایران محدودیت شغلی برای زنان وجود ندارد و

آنان می توانند در هر جا شرکت کنند و وی بسیار متعجب بود که چرا در اروپا از او می پرسند شما می توانید ورزش کنید و اسب سواری کنید. او گفت در ایران هر شکل از ورزش برای زنان آزاد است.

راشین فروتن فرد مقیم سوئد در مورد مشکلاتش بعنوان یک زن جوان خارجی در سوئد صحبت کرد. او گفت وقتی مهاجر هستی دیگر فرقی نمی کند که در اینجا متولد شده باشی یا نشده باشی. او گفت نسل دوم جوانان در خارج از کشور با دو مشکل روبرویند. یکم مسئله خانواده که آنها را عقب نگه می دارد. بسیاری از خانواده ها بلحاظ فیزیکی در کشورهای اروپائی هستند ولی بلحاظ فکری در کشور بومی خود بسر می برند. دیگری کشور میزبان است که مانع پیشرفت شان است. و دائما خارجی بودنشان را به رخ شان می کشد. او گفت نقش رسانه های غربی هم مزید بر علت است. آنها زن مهاجر را قربانی و مرد مهاجر را جنایتکار معرفی می کنند. در انتها او گفت مسئله دیگر این است که «وقتی به ایران می روم به من می گویند فرنگی وقتی اینجا می آیم به من می گویند مهاجر من هم می گویم به هیچ قوم و نژادی وابسته نیستم من شهر وند جهان هستم»

پریسا تقی زاده مقیم انگلستان گفت نقطه مشترک اکثریت زنان ایران علاقه به آرایش کردن است. بویژه با محدودیت حجاب آرایش صورت نقش عمده پیدا کرده است. امری که نشانه اظهار وجود و مخالفت با محدودیتهاست. او گفت هدفش از عکاسی این است که نشان دهد که زنان ایران نه تنها مظلوم نیستند بلکه زنان توانائی هستند که آگاهی زیادی به هویت خودشان دارند.

پرسش و پاسخ این بخش بسیار متشنج بود. زیرا افرادی که از ایران آمده بودند به توجیه وضع موجود زنان پرداختند. مثلا یکی از آنها سنگسار را مسئله زنان ایران نمی دانست. طنز ماجرا اینگونه بود که آنها بسیار در مورد پیشرفت زنان و گشایش در اوضاع حرف زدند ولی وقتی با سئوالات مشخص از جانب حضار روبرو شدند یکی از آنها گفت این سئوالات سیاسی است و من می خواهم به خانه ام برگردم!!

شنبه ۱۶ ژوئن - دومین روز کنفرانس

پیام گلناز امین

روز شنبه کنفرانس با پیام گلناز امین مسئول بنیاد آغاز شد. وی در پیام خود با اشاره به جدا نبودن مسائل زنان ایران و جهان به افشای موقعیت دشوار زنان پرداخت: «در کشور ما، در شروع قرن ۲۱ هنوز زنها به جرم عشق ورزیدن سنگسار می شوند. در سالی که گذشت دولت اسلامی با لایحه بالا بردن سن ازدواج دختران از ۹ سال به ۱۲ سال مخالفت کرد و دست پدوفیل های اسلامی را در سو استفاده از جسم و روح دختر بچه های ما باز گذاشت.» گلناز در ادامه پیامش گفت: «درک ما از تغییرات مثبت در زندگی زنان ربطی به یکی دو سانتی متر بالا رفتن خط روسری ها که در رسانه ها اینقدر دربارہ آن هیاهو می شود ندارد. ما اجازه نمی دهیم دشواری وضع حاکم چارچوب چه باید کرد ما را تعیین کند.» او در خاتمه پیامش تاکید کرد که: « ما برای دنیای دیگری مبارزه می کنیم که در آن عدالت اجتماعی و برابری حقوقی و اقتصادی برای هیچکس یک آرزو نباشد.»

سخنرانی ژاله احمدی

موضوع سخنرانی ژاله احمدی «زنان در اندرونی جامعه سیاسی ایران» بود. متن کامل سخنرانی در همین شماره هشت مارس درج شده است.

میز گرد کارگری

در این میز گرد استی پیروتی کارگر کارخانه فارماسیا سوئد و آذر ادیبی که سابقه کارگری در ایران داشته شرکت داشتند. استی عمدتاً به افشای سرمایه داری سوئد پرداخته و سوئدجویی آن از شکافهای قومی، نژادی و جنسیتی را بررسی کرد. او گفت در رابطه با اتحادیه های کارگری سوئد در خدمت حفظ نظم موجود قرار دارند. بحثهای استی با توجه به تجربه شخصی اش، بر ستمهایی که بر یک کارگر خارجی روا می شود، متمرکز بود و کمتر به ستم جنسی به یک زن کارگر می پرداخت.

آذر ادیبی گفت که مسئله زنان کارگر در درجه اول خواستههای رفاهی است و حجاب مسئله زن کارگری که شکم خود و بچه هایش گرسنه است، نیست. این نظریه جدلهای زیادی را برانگیخت. اگر چه وی سعی کرد حرفهایش را تعدیل کند اما تحت عنوان «قوانین علمی» به تکرار عقب مانده ترین استدلالات رایج در این رابطه پرداخت. او نقش و کارکرد حجاب را از زاویه اقتصادی و سود سرمایه دار توضیح می داد. و تحت عنوان تضاد کارگر و سرمایه دار به کمرنگ کردن، تضاد میان مرد کارگر و زن کارگر و نقش حجاب پرداخت. استی در مقابل بحثهای آذر ادیبی گفت کارگری که حجاب مسئله اش نباشد، کارگر عقب مانده ای است.

آذر ادیبی در مقابل استدلالات مختلف حاضر به قبول این مسئله نبود که حجاب قبل از هر چیز نقش ایدئولوژیکی مهمی در سرکوب و به بند کشاندن کل زنان جامعه منجمله زنان کارگر داشته و دارد. بخشی از ارزشهای حاکم است که مستقیماً هدفش خرد و منکوب کردن زنان است. و به همین دلیل باید لغو حجاب اجباری به یک خواست مهم جنبش کارگری تبدیل شود.

سخنرانی جمیله ندائی

جمیله ندائی تحت عنوان «جنبش زنان ایران و مشکلات آینده» به بررسی سه نظریه فمینیستی پرداخت. فمینیستهای لیبرال که هدفشان ملایم کردن خشونت‌هایی است که به دلیل تفاوت‌های طبیعی و فیزیکی به زنان اعمال می شود. جمیله فمینیستهای اسلامی را جزو این دسته ارزیابی کرد. فمینیستهای کمونیست و سوسیالیست علبرغم اینکه معتقدند تا از بین رفتن طبقات مسائل زنان حل نخواهد شد، در مبارزات زنان پیگیر هستند، ولی به سختی حاضرند به مسئله «تن زن به خودش تعلق دارد» بپردازند. جمیله در این طبقه بندی حتی کسانی را قرار داد که مسائل زنان را سیاسی نمی دانند و فکر می کنند خواست بهتر کردن وضع حقوقی زنان در اجتماع و خانواده کافی است. او برای مثال به ماجرای معروف «سنگسار در پاریس» پرداخت. مسئله ای که از نظر برخی ها موضوع خصوصی بوده و ربطی به آنها ندارد، کسانی که حاضر به موضعگیری در قبال مردی که زن سابقش را فاحشه و زناکار نامید و در امر طلاق ادعای خسارت کرد، نشدند. جمیله در این رابطه گفت: «فاحشه در تعریف شرع و عرف زنی است که تن خودش را در مقابل پول به یک رابطه جنسی ناخواسته بفروشد. شوهری که چنین ادعایی دارد شاید فکر می کند دلال تن فروشی بوده است که بعد از طلاق ادعای خسارت مالی میکند چون شغلش را از دست داده است. یا شاید چون امر ازدواج را چون مذهبیبون افراطی تن فروشی همیشگی به یک مرد می داند از زن می خواهد برای باز پس خریدن تن خود خسارت مالی بپردازد.»

دسته سوم از نظر جمیله فمینیستهای رادیکال هستند که در اروپا به جنبش رهائی زنان مشهور شده اند. زنانی که نه تنها خواهان برابری با مردان در تمام ارگانهای اجتماعی سیاسی هستند، بلکه می خواهند مناسبات فعلی را که به عرف و شرع و سنت تکیه دارد بالکل عوض کنند.

جمیله در خاتمه گفت: «شرایط کنونی بویژه با جهانی شدن سرمایه شکل های جدیدی از نابرابری را پیش آورده که جنبش زنان به دنبال شیوه های جدیدی برای مبارزه است. در کشورهای ثروتمند مبارزه برای برابری شکلهای خشن تری پیدا کرده است و در جهان فقیر خارج ازین ارزشهای جهانی زنان بیش از پیش حقوق نداشته خود را از دست می دهند و به جهانی که هیچ ارزشی در آن حاکم نیست رانده می شوند.» و بعنوان نتیجه گیری گفت جنبش مستقل زنان همواره با روشنفکران و نیروهای مترقی که خواهان تغییرات اساسی به نفع فقرا و طبقه تحت ستم هستند همراهند.»

سخنرانی شادی امین

سخنرانی وی عنوانش «آغاز دگر باید» بود. او با انگشت گذاشتن بر پراکندگی و بیخبری و بی پاسخی جنبش زنان نسبت به جنایاتی که علیه زنان می شود و بطور عموم بی عملی نسبت به وظایف پیشاروی جنبش زنان صحبت خود را آغاز نمود. وی تاکید نمود «ما امروز نمی توانیم به علت تجربیات بد به اصل سازمانیابی بی تفاوت بمانیم. نباید آینده بر فراز ما و بدون دخالت ما تصویر شود.» سپس او به ترکیب طبقاتی جنبش زنان پرداخت و گفت جنبش زنان، جنبش فراطبقاتی است و زنان اقشار و طبقات مختلف در آن ذینفع هستند. او اصرار بر این داشت «پیش کشیدن اختلاف طبقاتی موجب محدود نمودن ابتکار عمل و ظرفیت مبارزاتی متحد کلیه زنان علیه مرد سالاری خواهد بود.» این واقعیتی غیر قابل انکار است که به کلیه زنان از هر قشر و طبقه ای ستم روا می شود. هر چند که درجه و شدت آن متفاوت است. به این معنا ستم برزنان فراطبقاتی است اما به محض آنکه صحبت از راه حل برای رفع ستم بر زنان به میان می آید، خصلت طبقاتی آن آشکار می شود. از هیمنرو راه حل افرادی امثال فرح دیبا یا فائزه رفسنجانی زمین تا آسمان با راه حل های دیگر متفاوت است. در نظر نگرفتن این مسئله حیاتی به خیالبافی و راه حل های غلط منجر خواهد شد.

سخنرانی عزیزه شاهمرادی

عزیزه شاهمرادی که از ایران دعوت شده بود، سخنرانی خود را تحت عنوان «بررسی موانع و عملکرد تشکلهای زنان در ایران» ارائه داد. وی ضمن بررسی تاریخ گروهها و تشکلات زنان موجود در یک سده اخیر ایران به دو دهه اخیر توجه ویژه نمود. عزیزه گفت «هرگاه فضای آزاد و دموکراتیک وجود داشته تشکلهای مستقل واقعی زنان شکل گرفته است. ... و هر گاه فضا نبوده تشکلهای تحت هژمونی نظام سیاسی وقت بوده اند.»

در رابطه با موقعیت تشکلات زنان در سالهای ۵۷ تا ۶۰ گفت به علت وابستگی و عدم استقلال شان و نداشتن شناخت و پیوند با محیط اجتماعی نتوانستند بر سر مسئله زن تمرکز دهند. پس از ایندوره سیاست بازگشت زن به خانه و لغو قوانین مدنی که زنان تا آندوره از آن برخوردار بودند طرح شد. گروههای رسمی و غیر رسمی وابسته به حاکمیت جهت ارائه هویت زن مسلمان شکل گرفتند.

او در ادامه گفت در سالهای پس از پایان جنگ ایران و عراق امکان نسبی برای ابراز نارضایتی ها و طرح خواسته ها فراهم شد. این امر به پیدایش جمعهای زنانه کمک کرد. از سال ۱۳۶۸ به بعد سازمانهای دولتی و غیر دولتی حول فعالیتهای فرهنگی و زیست محیطی رشد نمود. عزیزه در ارزیابی از این سازمانها گفت حرکت آنها بازوی کمکی برای سیاستهای جمهوری اسلامی بود.

وی در ادامه سخنرانی به تفصیل به تشکلات غیر رسمی زنان که در نیمه اول دهه هفتاد شکل گرفتند پرداخت. این تشکلهای از جمعهای آزاد، مستقل، علنی، کوچک و بسته زنان تشکیل شده اند. این تشکل ها عموماً شامل گروههای شغلی،

ورزشی، فرهنگی، ادبی، سیاحتی، تفریحی هستند. که عمدتاً از سنین سی تا پنجاه و پنج تشکیل شدند. ترکیب آنها از دانشجو، معلم، وکیل، کارمند، مترجم، ناشر و خانه دار است. و به فعالیت آگاهگرانه میان خود می پردازند. هر چند فعالیتهای عملی شان مانند برگزاری هشت مارس و غیره محدود است. عزیزه متذکر شد که امروزه این تشکلات در فرایند تدریجی هویت یابی و مرزبندی روشن میان گرایشات مختلف هستند. او معتقد بود برای روشنتر شدن این گرایشات جنبش زنان ایران می بایست وارد پراتیک اجتماعی گسترده و فراگیر شود.

عزیزه معتقد بود که مبارزه زن ایرانی از اهمیت زیادی در مبارزات دمکراتیک برخوردار است. از اینرو در دمکراتیزه کردن جامعه ایران نقش مهمی دارد. وی تأکید بر این مسئله داشت نه تنها برای هر آنچه که در فضای کنونی امکان پذیر و دست یافتنی است باید مبارزه کند بلکه باید به افقی با اهداف کلان بیندیشد. افقی که کلیه اشکال ستم جنسی، طبقاتی، قومی و نژادی در آن نابود شده باشند.

سخنرانی الهام قیطانچی

سخنران روز سوم الهام قیطانچی، به موضوع «زن ایرانی و چند فرهنگی» پرداخت. او تأکید کرد که باید «چند صدایی بودن» جنبش زنان را برسمیت شناخت. بعقیده الهام، اگر یک گرایش فمینیستی خاص بخواهد «زنان را یک گروه همگون» معرفی کند و سپس نظرات و ارزش های خود را به مثابه بیان منافع کل به آنان تحمیل کند به جنبش دمکراتیک فمینیستی ضربه خواهد زد.

سخنران در عین حال که تلاش داشت به قول خود منتقد «جنبه های پدرسالاری فرهنگ ایرانی» باشد، از ضرورت انتقاد از «جنبش سفید پوست فمینیسم اروپائی و آمریکائی» می گفت. راه حلی که وی برای حل این تضاد جلو می گذاشت این بود که حق فردی هر زن باید به رسمیت شناخته شود که هر فرهنگ، مذهب، یا گرایش سیاسی و فلسفی که خواست را برگزیند (منجمله حق خروج از یک جامعه مهاجر را). مثلاً به این شکل که حق داشته باشد، دیگر خود را جزئی از جامعه ایرانی با همه مختصات فرهنگی و مذهبی به حساب نیاورد. الهام، تشکلات فمینیست ایرانی را از دادن شعار بر حذر داشت، زیرا به اعتقاد او طرح شعار برای جنبش زنان یعنی ادعای نمایندگی کل زنان. بر مبنای چنین دیدگاهی، سخنران مخالف دسته بندی کردن زنان وابسته و یا مدافع جمهوری اسلامی، در یک چارچوب مشخص بود و ادعا می کرد که «زنانی که فمینیست اسلامی هستند در یک پروسه تغییر دو طرفه هستند و ثابت نیستند».

آنچه در بحث الهام قیطانچی بطور کلی غایب بود نقش نظام های اقتصادی - سیاسی موجود در کشورهای مختلف در حفظ و تقویت ستم بر زن، و مشخصاً نقش دولت های ارتجاعی مردسالار، بود. او اگر چه به شکل غیر مستقیم ضدیت خود با زیر پا گذاشتن حقوق اقلیتهای ملی توسط دولتهای غربی را اعلام می کرد، اما به جایگاه کلیدی رژیم های مرتجع وابسته به غرب (و مشخصاً رژیم جمهوری اسلامی) در تحکیم فرهنگ و سنن مردسالارانه و زن ستیزانه حتی اشاره ای نکرد.

میزگرد خشونت

میزگرد خشونت علیه زنان، با سخنان الهه امانی آغاز شد. به عقیده وی، بنیادگرایی در سیاست و مذهب و هویت، روندهای غالب را شامل می شود. بعلاوه، شاهد شکاف فاجعه آمیز فقر و ثروت در سراسر جهان هستیم. همه اینها در ارتباط تنگاتنگ با موقعیت زنان و خشونت علیه زنان قرار دارد. سپس الهه امانی به این واقعیت اشاره کرد که به علت

مبارزات گسست ناپذیر میلیونها زن در قرن بیستم، بویژه فمینیستها، مسئله زن از حاشیه به مرکز موضوعات جهانی رانده شده است.

سخنران در بخش دیگری از صحبت خود از خشونت های غیر دولتی و دولتی (یا مورد تایید دولتها) علیه زنان یاد کرد. و در این مورد آخر، حرکت «گروه های بنیادگرای اسلامی» در ایران را مثال آورد که به زنان حمله می کنند. به باور وی اگر چه این خشونت را «دولت اعمال نمی کند ولی مورد تایید دولت است.» بدین ترتیب، الهه امانی این واقعیت که این گروه های شبه نظامی خود جزء مهمی از بازوهای سرکوب دولتی در جمهوری اسلامی هستند را نادیده انگاشت.

سخنرانی ماریا رشیدی

یکی دیگر از سخنرانان شرکت کننده در «میز گرد خشونت» ماریا رشیدی بود. او زنی بود که بخاطر کسب آزدیش بهای گزافی پرداخت. او چهار سال پیش از شوهر مستبدش در سوئد جدا شد. در یک شب تاریک پائیزی فردی که توسط شوهرش اجیر شده بود، بر صورتش اسید پاشید. که در اثر آن در صد زیادی از بینائیش را از دست داد و صورتش لطمه زیادی خورد. او تا کنون ۴۱ بار تحت عمل جراحی قرار گرفته است. ماریا بجای گوشه نشینی و زانوی غم در بغل گرفتن اراده عظیمی بخرج داد و به یک فعال جنبش زنان تبدیل شد. بقول خودش تصمیم گرفت، «فریاد اعتراض باشد» فریاد همه زنان باشد. فریاد زنان بنگلادشی، پاکستانی، افغانستانی و آفریقائی باشد که روزمره قربانی چنین اعمال جنایتکارانه ای هستند.

سخنرانی ماریا، بسیار پر احساس، قوی و موثر بود. و آنچنان حاضرین را تحت تاثیر قرار داد که بارها مورد تشویق آنان قرار گرفت. ماریا گفت: «مراجع قانونی چه در سوئد و چه در ایران چشمشان را بر این واقعه بستند. آنها حاضر نیستند بخاطر من که از نظرشان عددی نیستم منافعشان را در خطر بیندازند.»

ماریا در طول سخنرانی از رنجهای بیشماری که بر او رفته سخن گفت. از تحقیرهایی که شد، از فشارهایی که تحمل کرد، از زمانی که تصمیم گرفت دیگر تن به این ستمها ندهد. از روزی سخن گفت که فکر کرد با جا گذاشتن اثاثیه خانه برای شوهرش آزدیش را به قیمت ارزانی بدست آورد. از روزی که مجبور شد سه تن از فرزنداناش را به نسبت دو به یک به نفع شوهرش تقسیم کند و ترجیح داد بچه هایش مادری آزاد داشته باشند نه مادری تو سری خور.

او از لحظات سختی سخن گفت که چگونه وقتی برای اولین بار از دست شوهرش سیلی خورد و سکوت کرد عملاً بر قراردادی صحنه گذاشت که بواسطه آن سیلی و لگد و تحقیر و توهین بیشتر شد و به از دست دادن اعتماد بنفس اش منجر شد و او را تبدیل به عروسکی کرد تا شوهرش هر طور که خواست شکلش بدهد. از زمانی که آلبوم عسکهای دوران جوانیش پاره شد و دم نیاورد و از حق فکر کردن و اعتراض، انتخاب پوشش و انتخاب دوست محروم شد. ماریا از لحظاتی سخن گفت که تصمیم گرفت خود را بازیابد و در مقابل ستم مقاومت کند. از لحظه با شکوه ایستادگیش سخن گفت. «هر روزی که می ایستادم او خمیده تر می شد و نتیجه خمیدگیش خشونت بیشتر و ظلم بیشتر بود. و این شکست او بود. داشت حکومتش را از دست می داد، سالار بودنش را و مرد سالاریش را.» و اینکه تجربه تلخش بهای سنگینی بود که برای آزدیش پرداخت و نباید گذاشت زنان دیگر این بها را بپردازند.

ماریا در بخش پرسش و پاسخ تاکید کرد که من این درد و رنجها را برای آگاه کردن مردم می گویم نه برای عزاداری و گریه و زاری و اینکه فعالین زن باید تلاش کنند زنان عامی نیز به این تجمعات کشیده شوند زنانی که بخاطر اینکه شوهرشان کتک شان نزنند سفره ابولفضل می گذارند. فعالین جنبش زنان باید دامنه فعالیت و تبلیغات شان را زیاد کنند

تا توده های زن به حقوق خویش آگاه شوند و اعتراض کنند و نگذارند تحقیر شوند.

سخنرانی شهلا حیدری

شهلا حیدری به بررسی نقش خشونت در رابطه با زنان بویژه زنان کرد پرداخت. وی گفت: «هدف خشونت فیزیکی نهادینه کردن وحشت در زندگی روزمره زنان است. فضائی که به این ترتیب ایجاد می شود زن را در شرایطی قرار می دهد که شمشیر آخته را همواره بالای سرش احساس کند تا به تدریج به محدودیتهائی که جامعه مردسالار بطور سیستماتیک به زنان تحمیل می کند عادت کند و آنرا سرنوشت چاره ناپذیر خودش بداند.» هدف این است که از زن زهر چشم بگیرد تا پا را از مرزهای تعیین شده توسط سنتها و احکام زن ستیز مذهبی بیرون نگذارد.»

شهلا حیدری در بخشی از سخنرانش به این مسئله نیز اشاره نمود که چگونه ناسیونالیسم کرد با الویت دادن به مبارزه برای رفع ستم ملی احقاق حقوق زنان را به آینده نامعلوم واگذار می کند. این بحث علیرغم تمایل حضار از جانب شهلا بیشتر پرداخته نشد. شهلا در انتهای سخنرانش زنان کرد را دعوت به ایجاد تشکلات مستقل زنان کرد نمود.

سخنرانی طاهره میلانی

طاهره میلانی مسئول واحد افغانستانی سازمان هشت مارس یکی دیگر از شرکت کنندگان در «میزگرد خشونت» بود. او اشکال شنیع ستم بر زنان در افغانستان را با ذکر مثالهای گوناگون طرح نمود. او صدای ستمدیده ترین زنان جهان بود. جایی که زنان از ابتدائی ترین حقوق انسانی محروم شدند. حق آموزش، کار و بیرون آمدن از خانه از آنان گرفته شد. جرم لاک زدن قطع انگشتان دست است. زنان براحتی در ملا عام به قتل می رسند، توسط جنگ سالارهای اسلامی به اسارت گرفته شده و مورد تجاوز قرار می گیرند؛ به شیوخ عرب و یا مردان پاکستانی فروخته می شوند. او از دختران ۱۲ تا ۱۵ ساله ای سخن گفت که در کمپهای پناهندگی در اثر تجاوز جنسی به امراض گوناگون مبتلا گشته اند.

طاهره در دیگر بخشهای سخنرانی خود به دلایل شکل گیری وضعیت کنونی در افغانستان پرداخت. اینکه چگونه تجاوز روسها به افغانستان و دخالتهای دیگر قدرتهای بزرگ امپریالیستی مانند آمریکا و قدرتهای منطقه ای و ستم گری ملی و طبقاتی و جنسی توسط دار و دسته های مجاهدین اسلامی کشور را به ویرانه ای مبدل ساخته است. او گفت که طالبان با حمایت مستقیم آمریکا، عربستان و پاکستان به قدرت رسید.

طاهره در بخش دیگری از سخنرانش به مبارزات و شکل گیری مقاومت زنان افغانستانی و خواسته های آنان پرداخت و در خاتمه گفت: «امیدوارم نهال کوچک ولی شاداب «نوبهار» که بودنش در این مقطع ظلمتبار، روزنه ای دل انگیز است بسوی نور و روشنی بیشتر قد بکشد، شاخ و پنجه در آورد تنومند و بارور گردد. تا برگ برگ آن آئینه تمام نمای اندیشه زنان و مردان گردد. که به خاطر وطن، مردم و رفع ستم عاشقانه می رزمند و هرگز از شب پرستان سپید جامعه نمی هراسند. ما می دانیم خائنین با تمام قدرت جلو طوفان خشم خلق و فریاد پرخروش آزادی خواهی که از کران تا کران کشور ما از جمله زنان که در گذشته کاخ کرملین را به لرزه در آورده بود، قصر سفید واشنگتن و دست نشانده های شان را نیز با شکست مواجه خواهند کرد.»

سخنرانی علی فرمانده

آخرین سخنران کنفرانس، علی فرمانده بود که بحث خود را زیر عنوان «چه باید کرد؟» ارائه داد. وی ساکن سوئد و

روانشناسی است که در ارتباط با زنانی که مورد ضرب و شتم قرار گرفته اند و نوجوانان مهاجر فعالیت و تحقیق می کند. سخنران از تداوم و تاثیر فرهنگ مردسالارانه بر نسل دوم در مهاجرت حرف زد و اینکه دختران جوان عین الگوی زنان بزرگسال را دارند که استاد پیدا کردن امیدهای بزرگ در یک چیز کوچکند تا به ستم تن دهند. در خاتمه، علی فرمانده کوشید به سؤال «چه باید کرد»، جواب بدهد. طرح مسئله از جانب وی، به خوبی نشانگر دیدگاهش از ریشه این معضل اجتماعی (یعنی بازتولید مناسبات مردسالارانه در نسل جدید) بود: «راه حل چیست در این آشی که ما همه مان درست کردیم؟» او با ناامیدی ادامه داد: «چه باید کردهای ما را همیشه نمی شود اجرایش کرد. اولش آدم یک چیزهای می گوید.» راه حل از نظر وی، پر کردن شکاف به پژوهشگران و فعالین اجتماعی در این عرصه بود. به این صورت که شبکه همه جانبه فعالیت ایجاد شود و بخشهای تبلیغی، ترویجی، آموزشی، مددکاری و پژوهشی در کنار و در ارتباط با یکدیگر به پیش برود. در واقع راه حل وی به تربیت اجتماعی و بازسازی ذهنیت انسانها محدود می شد و نه واژگونی مناسبات ستم گرانه میان انسان ها.

برنامه های هنری کنفرانس

تئاتر «رویای آبی زنان خاکستری» که نویسنده و کارگردان آن نیلوفر بیضایی بود، با بازیگری پروانه حمیدی، ژاله شعاری در روز اول به نمایش در آمد. (در نشریه هشت مارس شماره ۳ گفتگویی با کارگردان و یکی از بازیگران این نمایشنامه به چاپ رسیده است).

یکی دیگر از برنامه های هنری بنیاد شعر خوانی مریم هوله، شاعر جوان کردتبار از ایران بود که روز دوم به شعر خوانی پرداخت. شعر خوانی وی تاثیر بسیاری بر حضار گذارد.

روز سوم بنیاد ژیللا مساعد و برخی دیگر از شعرای زن به شعر خوانی پرداختند. امسال نمایش و معرفی لباس های محلی که بوسیله گیسو شاکری طراحی شده بود، مورد توجه حضار قرار گرفت. از دیگر برنامه های هنری موسیقی سی سی گدل و گیسو شاکری و سروش ایزدی بود. فریده ابلاغیان در شب دوم کنفرانس «رقص آفتاب را ارائه داد. این رقص آمیخته ای از رقص های محلی، سنتی و مدرن بود که بوسیله وی طراحی شده بود. و شب دوم کنفرانس هادی خرسندی برنامه طنز اجتماعی خود را ارائه داد.

در خاتمه نکته ای کوتاه ولی مهم :

به جرات می توان گفت یک ضعف مهم این کنفرانس برخورد منفعل به مبارزه پرخروش و خونینی بود که هم زمان در شهر یوتبوری ضد گلوبالیزاسیون جریان داشت. این کنفرانس در روز هائی برگزار شد، که پلیس سوئد برای اولین بار در تاریخ سوسیال دموکراسی سوئد به سوی توده های شرکت کننده در تظاهرات که از سراسر جهان گرد آمده بودند، تیراندازی کرد. که در اثر آن دو نفر به شدت زخمی شدند. که یکی از آنها بعدا جان سپرد. در حالیکه این خبر مهم در میان زنان دهان به دهان شد و حتی برخی از زنان شرکت کننده به کمیته هماهنگ کننده پیشنهاد ارائه قطعنامه ای در دفاع از این مبارزه را دادند ولی این کنفرانس برخورد منفعلی نسبت به این مبارزه مهم جهانی کرد. اگر این کنفرانس خود را بخشی از مبارزات زنان علیه نظام مردسالارانه حاکم بر ایران و جهان میداند پس چگونه می تواند در مقابل مبارزات توده ها علیه گلوبالیزاسیون که زنان اولین قربانیان آن میباشند، سکوت کند. این سکوت نشانه ای از محدودنگری است.

باشد تا جنبش زنان ایران نقش شایسته خود را در رابطه با دیگر جنبش های حق طلبانه به خوبی ایفا کند.